

جرعه‌ای از معرفت (گوشه‌ای از حیات اخلاقی علامه عسکری رحمه الله علیه)

رضا حمیدی

مقدمه

حیات برتر انسان‌ها، در گرو اندیشه و دانش و ایمان و اخلاق آنهاست. فرزادگانی که در طول زندگی، مشعلی از دانش فرا روی انسان‌ها افروخته‌اند، حقّ عظیمی بر بشریت دارند. اگر یارای قدرشناسی و حق‌گزاری آنان باشیم، گامی کوچک در راه ادای تکلیف انسانی و اسلامی برداشتیم و با جاودانه ساختن نام و یاد آنان، خدمتی به فرهنگ و دانش بشری و احترامی به قله‌های رفیع ایمان و معنویت کرده‌ایم. همان سان که دانش در مکتب اسلام از ارج و احترامی ویژه برخوردار است، دانشمند و مرشد فکر و اندیشه‌ی بشری نیز بهترین تجلیل‌ها و تمجیدها را سزاست و این همه، بیحکمت نیست؛ چرا که بیشتر (یا همه‌ی) گرفتاری‌ها و سیه‌روزی‌های جوامع، ریشه در جهل و بیدینی مردم دارد و آنچه مایه‌ی سعادت انسان است، در دو کلمه‌ی «دیانت» و «دانش» نهفته است.

تکریم و بزرگداشت عالمان و به جاودانگی سپردن سیره، فکر و روش آنان، راه‌های گوناگون دارد. یکی از بهترین آنها، بیان و نشر مکارم اخلاق، فضائل نفسانی، همت بلند و تحمل تلخی‌ها و سختی‌ها در راه کسب دانش، خدمت به مردم، نشر علوم الهی و از خود گذشتگی و احیای یاد و خاطره‌ی آنان است.

همواره دانشوران شیعه، ستارگان فروزان زمین و وارثان انبیا بوده و هستند که انسان‌ها توسط آنها هدایت می‌شوند و طریق حق را از باطل تشخیص می‌دهند. در سلسله‌ی کاروان فضیلت و قافله‌ی حکمت و معرفت، علامه سید مرتضی عسکری (رحمه الله) از برجستگی خاصی برخوردار است. این نمونه‌ی والای جهاد فکری و پاسدار بزرگ مکتب اهل بیت «علیهم السلام» و مرزبان حماسه‌های اعتقادی، از سلاله‌ی پاک خاندان عترت و طهارت است که زندگی، آثار و اندیشه‌های ایشان می‌تواند برای مشتاقان فضائل و انسان‌هایی که در جهت کسب معارف و تزکیهی نفوس می‌کوشند، سرمشق باشد.

وی یکی از نادر مردانی است که کلام حق را از مأذنه‌ی مصحف الهی استماع نمود و با جان لبیک اجابت گفت و همراه با قافله‌ی عارفان عاشق Δ فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ K بار سفر بست و کوس عزیمت نمود و به سان پروانه‌های عاشق، در پی نورانیت علم گام نهاد تا توشه‌ی Δ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ K را زاد و راحله‌ی خویش نماید. وی در این راه به اندک آذوقه‌ای بسنده می‌نمود و به جرعه‌ی آب و لقمه نانی سر می‌کرد تا بتواند این وظیفه‌ی عظیم را که صیانت از میراث انبیاء و ائمه طاهرین «علیهم السلام» است، بر دوش خویش متحمل شود و بر امواج موج اقیانوس نفس خویش فائق آید و بر بلندای قله‌ی علم و عمل

واصل شود و معنای حقیقی و واقعی Λ **وَلْيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ** K را از کردار، رفتار و گفتار خود با بیداری و هوشیاری و آگاهی انسان‌ها تحقق بخشد و خود را در زمره‌ی قافله سالاران کاروان‌های دین و مرزبانان اندیشه‌ی بشری گرداند. او کوشید تا روشنگر راه نسل‌ها و عصرها و مشعل هدایت در دل توده‌ها باشد تا Λ **وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ** K را محقق سازد و با برافراشتن پرچم Λ **يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ** K ملت‌ها را پایبند اصول معنوی و خصائص اخلاقی نماید و روح آزادی و جوانمردی و غیرت و ... را در آنان زنده نگاه دارد.

آری معرفی چنین چهره‌هایی کاری است واجب و لازم، اما بسی سخت و مشکل؛ چرا که اطلاع یافتن به ابعاد شخصیت مردانی الهی همچون علامه عسکری و ارزش‌های اخلاقی و معنوی آنان آسان نیست و قلم را یارای ترسیم زندگی سراسر افتخار آنان نیست. در این جستار، قسمتی از ویژگی‌های اخلاقی ایشان را به قدر وسع و توان با همکاری شاگردان، رابطان، نزدیکان و بستگان ایشان و نیز استمداد از کتب وی جمع آوری و به رشته‌ی تحریر درآورده‌ایم که این قلیل، نمی‌است از دریای بیکران علم و عمل و معرفت او.

تهذیب نفس

زندگانی علامه آن چنان بود که با وجود این که می‌توانست از بهترین و مرفهترین افراد باشد و زندگی راحتی را در دنیا برای خود فراهم آورد، اما قناعت را پیشه‌ی خود ساخت و با کاستن از تمایلات نفسانی، خویشتن را از اسارت امور ناپایدار رهانید و با عزت نفس و مناعت طبع زندگی کرد. ایشان عالمی الهی بودند که در تربیت نفس و جان خود، تلاش فراوان کرده بودند و در راستای ترویج مکتب اهل بیت «علیهم السلام» در جهان اسلام سختی‌ها به خود دادند. \square

یکی از شاگردان ایشان که مدت ۲۶ سال با علامه آشنایی داشتند، در این خصوص چنین ابراز می‌دارد: «علامه عسکری (رحمة الله علیه) به نظر من زهد واقعی را داشتند. گاهی اوقات که به مشهد مشرف می‌شدند، هیچ چیزی مصرف نمی‌کردند و فقط ظرف آبی از تهران می‌آوردند و می‌گفتند دکتر گفته فقط همین و لقمه‌ی مختصری نان» \square .

یکی دیگر می‌گوید: «ایشان بیشتر سکوت می‌کردند و کمتر حرف می‌زدند و اغلب مطالعه می‌فرمودند...» \square .

\square - حجة الاسلام ابوترابی، سید محمد حسین، سایت قم نیوز، مورخ ۱۳۸۶/۷/۳.

\square - قنبری، یکی از شاگردان استاد، مصاحبه حضوری، مورخ ۸۶/۷/۱۹.

\square - کاظمی، یکی از شاگردان استاد، مصاحبه حضوری، مورخ ۸۶/۷/۱۹.

علامه‌ی عسکری (رحمة الله عليه) ویژگی بارز دیگری که در این راستا داشتند، زیستی امام گونه و ساده بود، یکی از شاگردان وی و مدرس دانشکده‌ی اصول دین در این باره می‌گوید: «ایشان با اینکه امکانات بسیار خوبی را در اختیار داشتند، هیچ گاه خودشان از این امکانات استفاده نکردند».[□]

استاد در این راستا بدانجا رسیده بود که به گفته یکی از شاگردان ایشان «هرگز به نام و نشان و مال و ثروت وابستگی نداشت به گونه‌ای که شاید هیچ کس مثل او پیدا نشود که اعلام کند از هیچ کتابم حق التالیف نمیگیرم و می‌گفت هر کس که دوست دارد، می‌تواند کتاب‌های مرا منتشر کند و از حقوق مادی آن استفاده کند».[□]

سرچشمه‌ی هدایت

استاد علامه، بعد از تهذیب نفس خویش و کسب بار علمی و احساس مسئولیت، به فکر تربیت و هدایت جامعه بود. وی بیشتر در این فکر بود تا جامعه را تربیت کند؛ لذا در این راستا اقدامات خود را با تأسیس مؤسسات علمی، فرهنگی، اجتماعی و... ادامه داد.[□]

این احساس مسئولیت علامه تا بدانجا بود که به گفته یکی از نزدیکان وی در سامرا ابتدا با مدرسه‌ای با دو کلاس برای کودکان ابتدایی شروع و تا زمانی که از سامرا بیرون آمدند، تعداد مهد کودک، دبستان و دبیرستان‌های تأسیس شده توسط ایشان حدود ۳۵ واحد بود و در بغداد نیز حدود ۵ هزار شاگرد در مدارس تأسیس شده توسط ایشان تحصیل می‌نمودند.[□]

محفلی انس علامه چنان گرم و صمیمی بود که هر شیفته‌ای را به سوی شمع سعادت می‌کشید و شهد کلامش را زلال حقیقت بود، به کام هر خسته دلی می‌نوشتند.

تندیس اخلاق علمی

علامه عسکری (رحمة الله عليه) حیات علمی خود را در این واقعیت می‌دانست که همواره باید عجین با اخلاق باشد و همیشه حدیث «قید العلم بالكتابة» را در پیش چشم خود داشت و مطالب خود را یادداشت می‌نمود.

□ - راضیه محمد زاده، مدرس دانشکده‌ی اصول دین، با عنوان علامه عسکری، وقف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) سایت آفتاب، مورخ ۸۶/۷/۱.

□ - احمد عابدی، مدرس فلسفه دانشگاه قم و از شاگردان علامه، مصاحبه مورخ ۸۶/۶/۲۸ با خبرنگار آیین اندیشه علم و مذهب.

□ - سید کاظم عسکری، فرزند علامه، ویژه نامه رحلت علامه عسکری، مورخ ۸۶/۷/۹ شبکه سه.

□ - حجة الاسلام جاودان، از شاگردان علامه، ویژه برنامه رحلت علامه عسکری، مورخ ۸۶/۷/۹، شبکه سه.

گاهی ساعت یک نیمه شب می‌دیدند که نشسته‌اند مشغول نوشتن می‌باشند، سؤال می‌شد که آقا چه شده ؟ ایشان می‌گفتند الان مطلبی یادم آمد، باید آن را بنویسم که اگر ننویسم از یاد می‌رود.[□]

یکی از شاگردان ایشان نیز در این باره می‌گوید:

حدود ۱۵ سال پیش (۱۳۷۱) با من تماس گرفتند که بیاید حالم خوب نیست. خودمان را خدمت استاد رسانیدم (در تهران). ایشان سه روز تمام از صبح تا شب مطالبی که داشتند می‌گفتند و می‌فرمودند که بنویسید...[□]

تلاش علامه به حدی بالا بود که با وجود کهولت سن، ساعات بسیاری را به مطالعه می‌پرداختند و در این راه هیچگاه خسته نمیشد. کتاب «معالم المدرستین» استاد که حدود ۱۲ سال طول کشید، استاد را با وجود سه مرحله سکنه قلبی از پا در نیاورد و ایشان همچنان به تلاش خود ادامه می‌دادند.[□]

مناظراتش جدال احسن بود که به حکمت و موعظه‌ی حسنه آراسته و نوشته‌هایش فاروق حق از باطل.

شب و روز عمری را برای احیای مکتب اهل بیت «علیهم السلام» شب کوشید و هیچگاه قلمش از ساحت ادب و احترام خارج نشد و در همان حال به افشای خیانت‌ها، بدعت‌ها و ناسره‌ها پرداخت.

«احترام به دیگران و سایر مذاهب و افکار مختلف، ویژگی قابل ستایش ایشان بود؛ به گونه‌ای که حتی کسانی که به مذهب تشیع هتاک می‌کردند، معظّم له به نحو محترمانه‌ای به آنان پاسخ می‌داد».[□]

علامه نه تنها غرور علمی نداشت بلکه با آنکه قله‌های کمال را در نوردیده بود، در جلگه‌ی تواضع و

فروتنی دامن گسترانده بود که جویبارهای صداقت و اخلاص از این قله روان است. خضوع و ادب علمی ایشان در نوشته‌هایش به وضوح دیده می‌شود. که در این مجال فقط به چند نمونه از اعترافات دیگران در این باره اشاره می‌شود.

دکتر حامد حنفی داوود، استاد ادبیات عرب دانشکده‌ی عالی زبان قاهره، می‌گوید:

« آقای عسکری توانسته است سلسله مباحث خود را از عیوبی که بر سر راه بحث و تحقیق هر محقق خود

نمایی می‌کند، به دور دارد. هدفش مشخص بود و در تعقیب آن از موضوع خارج نشده و دایره‌ی مدار کارش را اشخاص و مقاماتی که داشته‌اند، قرار نداده، بلکه هدف اصلی را که فقط پیجویی از حق و حقیقت بوده است، تعقیب کرده است. به علاوه وی توانسته است که عواطف و احساسات خود را کنار گذارده و تنها عقل را در

□ - میرزا عباس عسکری، برادر علامه، ویژه برنامه رحلت علامه عسکری، مورخ ۸۶/۷/۹ شبکه سه.

□ - قنبری، مصاحبه حضوری، مورخه ۸۶/۷/۹.

□ - حجة الاسلام جاودان، ویژه برنامه رحلت علامه عسکری، مورخ ۸۶/۷/۹، شبکه سه.

□ - شاکر، معاون سابق دانشکده اصول دین و از شاگردان ایشان، سایت آینده روشن، پنجشنبه ۸۶/۶/۲۹، کد مطلب ۱۷۷۰۹.

حکمی که می‌دهد، دستگشاده رها سازد. [وی توانسته است] از تعصب کورکننده و گمراه‌سازنده اجتناب ورزد و در پیشبرد دسته‌ای بر دسته‌ی دیگر علاقه نشان ندهد، حتی اگر یکی از آن دو دسته مذهب وی باشد. اغراق نیست اگر گفته شود: آقای عسکری در نحوه‌ی بحث و تحقیق خود قاعده‌ای متین و استوار نهاده است.[□] دانشمند عالیقدر لبنانی، شیخ جواد مغنیه، می‌گوید:

«... در تألیف کتاب عبدالله بن سبا نهایت دقت را مبذول فرمودند و متتهای سعی معظم له بر این بود که جز حق و حقیقت بر صفحه‌ی کاغذ چیزی نگاشته نشود».[□]

استاد جعفر الخلیلی، یکی از نویسندگان زبردست و ادبی عراق، می‌گوید:

«پشت سر نهادن عواطف و احساسات و پشت پا زدن به تمنیات درونی و به فراموشی سپردن آنها تا پایان بحث و تحقیق علمی، آن هم از خلال زوایای تاریک و مبهم تاریخ، کار هر کسی نمیباشد».[□]

ناگفته نماند، ایشان همیشه به مانند خصوصیات ائمه (طیب دوار بطبه)، بودند و می‌گفتند، مرا نزد افراد جوان ببرید. ایشان هیچگاه ابراز نمیداشتند که آنها را بیاورید، بلکه خود می‌رفتند و احساس می‌کردند که می‌توانند در نسل جوان احساس علاقه نمایند. حتی وقتی خبر می‌رسید که جوانی جلسه قرآن دارد و مناقب اهل بیت «علیهم السلام» می‌گوید، می‌گفتند: «مرا ببرید نزد آنان».[□]

مرزبان اسلام و تشیع

علامه در زمره‌ی اندیشمندانی بود که عمر با برکت خود را در راه مرزبانی از علوم اسلامی و نشر اندیشه‌های تشیع مصروف نمود و ارزش‌های والا را ارج نهاد. وی در دوران حیات پر برکت دنیوی کوشید تا فروغ اندیشه‌ی اسلامی را به اعماق جان‌ها و روان‌های مشتاقان بتاباند و تشنگان معرفت را از شعاع تابناک علم و معرفت برخوردار سازد. چنین انسانی حیاتش دیگر جنبه‌ی فردی ندارد و چون رودخانه‌ای به اقیانوس مواریث فرهنگی و علمی پیوسته و سخن گفتن از او ارج نهادن به ارزش‌هاست. انسان محقق‌ی که اندیشه‌اش به سوی باورهای ناب اسلامی معطوف گردیده و کوشیده تا تیرگی‌های جهل را با فجر تحقیق از هم بشکافد و خورشید معرفت را بر مشتاقان نوید دهد.

[□] -سید مرتضی عسکری، نقش عایشه در تاریخ اسلام، ترجمه‌ی نجمی، سردارنیا، ۱۳۷۱، ص ۲۱.

[□] - همو، عبدالله بن سبا، ترجمه، فهری، هریسی، نجمی، ص ۱۸.

[□] - همو، یک صد و پنجاه صحابی ساختگی، ترجمه‌ی: عطا محمد سردارنیا، ج ۳، ص ۱۸.

[□] - قنبری، مصاحبه‌ی حضوری، مورخ ۸۶/۷/۱۹.

استاد زمانی در عراق به سر می‌بردند برای مداحان آنجا در راستای مبارزه با تحریف مناقب اهل بیت (علیهم السلام) کتابچه‌ی مداحی آنان را تدوین نموده و بعد از سالها توانستند تحریفات زیادی را حذف نمایند.[□]

دانشمند عالیقدر، شیخ جواد مغنیه، در مقوله خدمت رسانی و مرزبانی استاد به اسلام چنین می‌گوید: «... هر گاه بگویم که مؤلف دانشمند، به دین و دانش و به خصوص به شیعیان خدمتی چنان بزرگ کرده است که هیچ کاری را در این دوره که افتراء و بهتان بستن به تشیع و شیعیان در آن فزونی گرفته است، با آن برابر نتوان کرد... وی خدمتی درخشان به اسلام و مسلمین کرده است چون در را به روی کهنه فروشان و کسانی که می‌خواهند بین مسلمانان رخنه کرده، یگانگی آنان را بر هم زنند و آنها را ناتوان سازند، بسته است.»[□]

در سایه سار اهل بیت (علیهم السلام)

روح و روان علامه از دوران کودکی با عشق به اهل بیت (علیهم السلام) آشنایی یافته بود و به تدریج با کسب کمالات و افزایش معرفت نسبت به این خاندان، جاذبه‌ای از محبت و پیوندی قلبی با خاندان وحی در اعماق وجودش بیش از پیش جای می‌گرفت. این ارتباط عاطفی در جلب معنویات و اخذ نور از خورشید پر فروغ اهل بیت (علیهم السلام) بسیار متأثر بود. علامه این علاقه را در جهتگیری‌های مختلف بروز داد. او خود را شدیداً نیازمند این ارتباط می‌دید و عقیده داشت که مهر به اهل بیت (علیهم السلام) انسان را در دشواری‌ها و ناگواری‌ها نجات می‌دهد.

گاهی که ایشان به تعبیر یکی از شاگردان علامه، جهت قوت قلب گرفتن، به مشهد و حرم مطهر رضوی مشرف می‌شدند، گوشه‌ای ایستاده و متواضعانه زیارت جامعه قرائت می‌کردند و تأکید فراوانی داشتند و می‌گفتند این زیارت فصلی از امام شناسی است.[□]

ایشان در ادعیه‌ای که از اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده، آن چنان دقیق بودند که حتی تأکید داشتند که چرا مثلاً در دعای کمیل مطلبی که یک بار به کار رفته، سه بار خوانده می‌شود.[□]

استاد وکیلی در این باره در خاطره‌ای از علامه چنین ابراز می‌دارند:

«گاهی اوقات که خدمت استاد می‌رسیدیم، ایشان مکرر و به دقت از ما گزارش کار می‌گرفتند و می‌پرسیدند که چه کار می‌کنید؟ یک بار به استاد عرض کردم که تدریس می‌کنم، ایشان پرسیدند: چه تدریس می‌کنید؟ گفتم:

[□] - قنبری، مصاحبه‌ی حضوری، مورخ ۸۶/۷/۱۹.

[□] - سید مرتضی عسکری، عبدالله بن سبأ، ص ۱۹.

[□] - قنبری، مصاحبه حضوری مورخ ۸۶/۷/۱۹.

[□] - کاظمی، مصاحبه حضوری، مورخ ۸۶/۷/۱۹.

سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) تدریس می‌کنم و دانشجویان و گروه‌های مختلف را راهنمایی می‌کنم استاد فرمودند: غیر از این‌ها چه کار می‌کنید؟ گفتم: کارهای دیگری هم دارم و بدان‌ها اشاره نمودم. فرمودند: دیگر برای ائمه اطهار چه کار می‌کنید؟ گفتم: من فراوان در دانشگاه و حوزه در مورد ائمه اطهار (علیهم السلام) تدریس دارم. ایشان گفتند: اینها را که انجام می‌دهی برای آن حقوق می‌گیری و این‌ها نوعی کسب و کار است. این‌ها که هنر نیست. غیر از این کارها و اوقات زمانی را اختصاص دهید و محض ائمه اطهار باشد و باید کارهایی فراتر از اینها برای ائمه اطهار انجام دهید».[□]

ایشان در اعیاد و شهادت‌های ائمه‌ی اطهار «علیهم السلام» از جمله افرادی بودند که مصداق حدیث «با شادی ائمه شاد باشید و در ناراحتی ائمه برای ایشان بگریید»، بودند.[□]

مرحوم علامه یکی از آرزوهایی که داشتند، این بود که می‌گفتند: کی می‌شود ما شیعیان بتوانیم همان طور که عزاداری عاشورا را علنی کرده ایم، جشن غدیر را نیز در وسعت و با کیفیت بهتری علنی کنیم.[□]

عشق و محبت علامه به اهل بیت (علیهم السلام) تا بدانجا رسیده بود که به گفته‌ی یکی از شاگردان وی، ایشان (حضرت علامه) حضرت زهرا (سلام الله علیها) را نیز دیده بودند که شرح، ماجرا از این قرار است:

علامه می‌فرماید: من میدانم خواب بودم، یا بیدار. یک وقت دیدم اتاق مانند مهتاب روشن شد. دیدم که حضرت زهرا (سلام الله علیها) وارد شدند. من خواستم پای ایشان را ببوسم، نگذاشتند. بعد دست مادر را بوسیدم، در همان حال گفتم: «یا اُمّا خذینی»: مادر مرا با خودت ببر. حضرت فرمودند: شما یک سلسله کارهایی دارید انجام می‌دهید، بعد به سوی ما می‌آیید.[□]

آقای ضرغامزاده اضافه می‌کنند که این جریان در اواخر عمر علامه مشاهده شده است.

اندرزهای ارزنده

مرحوم علامه عسکری علاوه بر اینکه خود عامل به آموزه‌های اسلامی بود، دیگران را نیز چه در عمل و چه در گفتار، توصیه‌هایی می‌فرمودند که جهت عدم اطاله‌ی کلام فقط به اختصار چند مورد آن ذکر می‌گردد.

□ - وکیلی، رئیس دانشکده ادبیات مشهد، مصاحبه تلفنی، مورخ ۸۶/۶/۹.

□ - راضیه محمدزاده، مدرس دانشکده‌ی اصول دین، سایت آفتاب، مورخ ۸۶/۷/۱۰.

□ - سایت تاریخ و تحقیق، عیادت خبرنگاران ایسنا از علامه، مورخ ۸۵/۱۰/۱۸، کد خبر ۰۸۷۸۰-۵۸۱۰.

□ - ضرغامزاده، به نقل از آقای عابدی، مصاحبه تلفنی، مورخ ۸۶/۷/۱۹.

یکی از دغدغه‌های استاد وضعیت بیان مطالب و مقاتل توسط برخی منبری‌ها بود که ایشان می‌فرمودند، چه دلیلی دارد که منبری‌ها مطالب و مقاتل را از حفظ بخوانند و بعد نتوانند آن را جمع نمایند، یا مقداری از آن را کتمان کنند. توصیه شدید استاد به ارائه این مطالب از روی نوشته یا کتاب بود.[□]

از دیگر دغدغه‌های ایشان طریقه مناظره یا اهانت برخی شیعیان یا مسلمانان بود. یکی از مهمترین سفارش‌های علامه را می‌توان همین دانست که ایشان می‌فرمودند: به مقدسات فرق دیگر اهانت نکنید و همواره توصیه می‌کردند: به دیگران توهین نکنید تا آنها به شما توهین نکنند؛ لذا خود ایشان نیز به احترام با تمام گروه‌ها برخورد می‌کردند.[□]

توصیه دیگر استاد احترام به اهل علم بود که خود، این امر را در عمل به سایرین بارها نشان دادند؛ مثلاً گاهی که به مشهد می‌آمدند، به همراهیان می‌گفتند: مرا به نزد فلان عالم (آیه الله میلانی و...) ببرید و با آنان مراوده می‌کردند.[□]

□ - قنبری، مصاحبه حضوری، مورخ ۸۶/۷/۱۹.

□ - راضیه محمدزاده، مدرس دانشکده اصول دین، سایت آفتاب، مورخ ۸۶/۷/۱۰.

□ - قنبری، مصاحبه حضوری، مورخ ۸۶/۷/۱۹.